

• عَيْنَ الْأَصْحَ وَالْأَدَقُّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦ - ٣٥).

٢٦- ﴿أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خَلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ﴾

- ١) از آن چه به شما روزی می دهیم انفاق کنید، قبل از آن که روزی بیاید که در آن، هیچ فروش و دوستی نیست و نه شفاعتی!
- ٢) انفاق کنید از آن چه روزی دادیم شما را، پیش از آن که روزی فرا رسد که نه فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی!
- ٣) بخشش کنید از چیزهایی که روزی تان دادیم، پیش از این که آن روز فرا رسد که هیچ فروش و دوستی و شفاعت در آن نیست!
- ٤) از آن چه روزی شما قرار می دهیم بخشش کنید، قبل از این که آن روز بیاید که فروش در آن نیست و دوستی و شفاعت نیز نیست!

٢٧- ﴿لِي الْآنَ مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ، وَ مَا كَانَ لِي قَبْلَ هَذَا أَكْثَرَ مِنْ مِائَةِ كِتَابٍ﴾:

- ١) فعلاً کتابخانه ای بزرگ دارم، ولی پیش از این فقط یکصد کتاب داشتم!
- ٢) کتابخانه من در حال حاضر بزرگ است، ولی قبلاً بیش از صد کتاب نداشتم!
- ٣) اکنون کتابخانه بزرگی دارم، و حال این که قبل از این، بیش از یکصد کتاب نداشتم!
- ٤) کتابخانه ای در حال حاضر دارم که بزرگ است، اما پیش از این، بیشتر از صد کتاب نداشتم!

٢٨- ﴿مَا يَزِيدُ صَبْرَنَا فِي أُمُورٍ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهَا، هُوَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ﴾:

- ١) آنچه صبر ما را در اموری که هیچ توانی برای آن ها نداریم، می افزاید، همان ایمان به الله است!
- ٢) صبر ما در کارهایی که طاقتش در ما نیست، زیاد نمی شود، بلکه آن در ایمان به الله است!
- ٣) صبر در کارهایی که توان آن ها در ما نیست قدرت ما را زیاد نمی کند، بلکه آن، ایمان به خداست!
- ٤) چیزی که صبر ما را می افزاید، اموری است که هیچ طاقت آن را نداریم که همان ایمان به خداست!

٢٩- ﴿أُتَسْتَشِيرُ الْكُذَّابَ وَ مَا هُوَ إِلَّا سَرَابٌ يُعْرَفُ الْحَقِيقَةَ إِلَيْنَا عَلَى الْعَكْسِ﴾:

- ١) با دروغگو شور می کردم اما او فقط یک سراب بیش نبود که حقایق را معکوس به من معرفی می کرد!
- ٢) آیا این دروغگویی که با او مشورت می کنی کسی جز سرابی است که حقایق را به ما وارونه می شناساند!
- ٣) آیا با دروغگو مشورت می کنی، در حالی که او فقط سرابی است که حقیقت را به ما وارونه معرفی می کند!
- ٤) چگونه با دروغگو مشورت می کنی، حال آن که او چیزی جز سراب نیست که حقیقت را معکوس به ما می شناساند!

٣٠- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ الْأَذَى يَجِدُ طَعَامًا مَنَاسِبًا لِفِكْرِهِ سَتَصْبِحُ قَدْرَتُهُ لِلْفَهْمِ وَ الْعَمَلِ أَكْثَرًا﴾:

- ١) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد، نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- ٢) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می یابد، نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ٣) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد، نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ٤) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!

٣١- ﴿لَا يَتْرِكُ مِنَ الْأَوْلَادِ وَالِدِيهِمْ إِلَّا مَنْ يَعْتَقِدُ أَنَّهَا لَيْسَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهِ وَ هُمَا فِي صَحَّةٍ﴾:

- ١) فرزندان، والدین خودشان را ترک نمی کنند، مگر معتقد به این باشند که آن ها در سلامت اند و نیاز به او ندارند!
- ٢) از میان فرزندان فقط کسی والدین را ترک می کند که عقیده داشته باشد که آنان سلامتی دارند و نیازمند به او نیستند!
- ٣) تنها کسی در میان فرزندان، پدر و مادر را ترک می کند که بر این عقیده باشد که آنان به او نیازمند نیستند و در سلامت اند!
- ٤) از فرزندان فقط کسی پدر و مادرش را ترک می کند که معتقد باشد آن ها به او نیاز ندارند و هر دو در سلامت هستند!

٣٢- ﴿إِسْتَرْجَعْتُ حَاسِبِي مِنَ الدَّكَانِ الَّذِي يَخْتَصُّ بِتَصْلِيحِ الْوَسَائِلِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ﴾:

- ١) کامپیوترم را به مغازه ای که وسایل برقی را درست می کرد پس دادم و برگشتم!
- ٢) به مغازه ای که تخصصش درست کردن کامپیوتر و وسایل برقی بود برگشتم!
- ٣) کامپیوترم را از مغازه ای که مختص تعمیر وسایل برقی است پس گرفتم!
- ٤) از مغازه ای که کارش تعمیر وسایل با برق بود کامپیوترم را پس گرفتم!

٣٣- عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ١) لَمَّا مَا وَجَدَتِ الْبَنَاتُ أُمَّهِنَّ حَيَّةً تَحَنَّنَ عَلَيْهَا: دختران هنگامی که مادر خود را زنده نیافتند، بر او شیون کردند!
- ٢) لَا أَحَدًا يَأْتِيكَ فِي حَاجَةٍ فُتْرَدَهُ خَائِبًا: کسی نیست که با خواسته هایش نزد تو بیاید و تو او را ناامید برگردانی!
- ٣) مَنْ ذَاقَ حَبَّكَ ذَنَا إِلَيْكَ وَ هُوَ يَخَافُ مِنْكَ: کسی که عشق تو را چشید در حالی که از تو می ترسد، به تو نزدیک است!
- ٤) الْكُذَّابُ يَنْظُرُ بِالضَّمِّ وَ إِنْ يَظْهَرُ الْكُذْبُ فِي وَجْهِهِ: دروغگو تظاهر به راستگویی می کند، اگرچه دروغ از چهره اش نمایان بوده است!

۳۴- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) كُنْتُ فرحت من أَنَّ الحسَنَات تذهبن السيِّئَات: از این که خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برد، شاد شده بودم!
 (۲) كَادَتْ بنتي تَجْهَرُ بغضبِها عند الصُّيُوفِ لَمَّا نصَحْتُهَا: وقتی دخترم را نزد مهمانان نصیحت کردم، نزدیک بود خشمش را آشکار کند!
 (۳) كُنْ ساكناً و راقب أن لا يَجْرِي على لسانك ما ليس لك به علمٌ: ساکت باش و مراقب باش که بر زبانت چیزی که بدان علم نداری، جاری نشود!
 (۴) لَمَّا بَدَأَتْ بَأَنْ تُعَيِّبَ الآخرينَ عَلِمْتُ أَنَّ ذلكَ نفسِه من أكبر العيوب: وقتی شروع به عیب‌گیری از دیگران کردی، بدان که آن خودت از بزرگ‌ترین عیب‌هاست!

۳۵- «ما درختانی می‌کاریم تا دیگران از میوه‌های آن‌ها بخورند!»: عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) نحن نغرس الأشجار حتى من ثمراتها يأكل الآخرون!
 (۲) نغرس نحن الأشجار لكي يأكل الآخرون من ثمارها!
 (۳) نغرس نحن أشجاراً حتى آخرون يأكل من ثمراتها!
 (۴) نحن نغرس أشجاراً لكي يأكل من ثمارها الآخرون!

• إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۳۶ - ۴۲) بما يناسب النَّصَّ:

الذَّئْبُ حيوان يُشبهه بعض أنواع الكلاب، هو متوحشٌ و صاحب فكٌ بقوةٍ لصيد الفريسة (طعمه، شكار) و حملها مسافات بعيدة. تعيش الذئاب فرادى أو أزواجاً في المناطق الجبلية بحيث تُصبح رؤيتها صعباً هناك!
 تتجمع فقط خلال فصل الشتاء لتكون في الجماعة عندما تبحث عن الغذاء، و كلما اشتدَّ البردُ تُصبح الذئاب أكثر خشونةً و جرأة، فتخرج إلى الأماكن المزدحمة كالحداق بحثاً عن الغذاء، و يبذل هذا الحيوان جهوداً غير عادية للمحافظة على سلامته!
 تنام الذئاب أثناء النهار في كهف بين الصخور و تخرج للصيد ليلاً، و يمكنها أن تقطع مسافة ما بين ۴۸ إلى ۶۴ كيلومتراً في الليلة الواحدة!

۳۶- عَيْنُ الصَّحِيح: تعيش الذئاب عيشة اجتماعية بسبب

- (۱) البرودة في الشتاء و صعوبة تهيئة الغذاء فيه!
 (۲) أنها تصيد في المناطق الجبلية و صعبة العبور!
 (۳) البحث عن الطعام و الغذاء و شدة خشونة الذئاب فيه!
 (۴) خروجها في الليل لا للصيد، فتتجمع خلال فصل الشتاء!

۳۷- ماذا يُسببُ ازدياد الخشونة و الجرأة في الذئاب؟ (عين الصحیح):

- (۱) الحياة الاجتماعية التي تختارها الذئاب!
 (۲) فصل الشتاء و برودته و قلة الصيد فيه!
 (۳) إنها يمكنها أن تقطع مسافات طويلة بسرعة كثيرة!
 (۴) سكونتها في الجبال بحيث تصبح رؤيتها صعباً للإنسان!

۳۸- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) يساعد الذئب فكهُ القوي في صيد الفريسة!
 (۲) تعيش الذئاب فرادى أو أزواجاً لأنها حيوانات متوحشة!
 (۳) عند طلوع الشمس تخرج الذئاب من بين الصخور مجتمعاً للصيد!
 (۴) إنه يُشبهه بعض أنواع الكلاب، أما قوته للصيد فأقل من الحيوانات الأخرى!

۳۹- عَيْنُ الْخَطَا عن الذئب:

- (۱) عند الشتاء لَمَّا يشتدَّ البرد تزداد الخشونة و الجرأة فيه!
 (۲) يعيش في مناطق أرضها مرتفعة و نراه بصعوبة هناك!
 (۳) تتجمع الذئاب للبحث عن الغذاء طول السنة!
 (۴) هو حيوان متوحش قوي في صيد فريسته!

• عَيْنُ الصَّحِيح في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰ - ۴۲).

۴۰- «تُصبح»:

- (۱) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ص ب ح) / من الأفعال الناقصة، خبره «هناك» و منصوب
 (۲) للمخاطب - مزيد ثلاثي (ماضيه: أصبح) - معرب / فعل من الأفعال الناقصة، اسمه «رؤية» و مرفوع
 (۳) فعل مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي / من الأفعال الناقصة، اسمه رؤية و خبره «هناك»
 (۴) مضارع - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - معرب / فعل من الأفعال الناقصة، اسمه رؤية

۴۱- «تتجمع»:

- (۱) للغائبة - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - معلوم / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
 (۲) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفاعل) - لازم / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
 (۳) مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي (ماضيه: جمّع) - معرب / فعلٌ، و الجملة فعلية
 (۴) مزيد ثلاثي (من باب تفاعل، و حروفه الأصلية: ج م ع) - متعدّد - معرب / مع فاعله جملة فعلية

۴۲- «متوحش»:

- (۱) اسم - مفرد مذكّر - اسم فاعل (من فعل مجرد ثلاثي) - معرب / خبر، و الجملة اسمية
 (۲) مفرد مذكّر - اسم فاعل (ماضيه: توحش و مصدره: توحش) - مبني / خبر
 (۳) اسم فاعل (من فعل مزيد، باب تفعيل) - نكرة - معرب / خبر و مرفوع
 (۴) مفرد مذكّر - اسم فاعل (مصدره: توحش) - نكرة / خبر و مرفوع



۴۳- عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (۱) يبلع الصادق بصدقِهِ ما لا يبلغه الكاذب باحتياله!
 (۲) يكثر الإختراع علمي وابتكار وجه نافع ووجه مضر!
 (۳) يتم التوازن في الطبيعة من خلال وجود روابط متداخلة!
 • عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۴ - ۵۰).

۴۴- عین ما ليس فيه من المتضاد:

- (۱) من يبدأ بضرب و شتم الآخرين فهو الأظلم!
 (۲) إنَّ الأحمق إن أراد أن ينفع أحداً فهو يضره!
 (۳) الكذاب يبعد علينا القريب و يقرب علينا البعيد!
 (۴) الألف من الأصدقاء قليل و الواحد من الأعداء كثير!

۴۵- عین الخطأ (في التفضيل):

- (۱) لا شك أنَّ لغة القرآن أبلغ من جميع اللغات الأخرى!
 (۲) إنَّ أختي الصغرى هي التلميذة الكبرى في الصف!
 (۳) معلمونا في المدرسة من أفاضل معلمي البلاد!
 (۴) هذه التلميذة صغرى من زميلاتِها في الصف!

۴۶- عین الصحيح:

- (۱) عشرون ريالاً في خمسة يساوي مائة ريال!
 (۲) تسعون ريالاً ناقص عشرين يساوي ستين ريالاً!
 (۳) أحد عشر ريالاً زائد تسعة يساوي سبعة ريالاً!
 (۴) ثمانون ريالاً تقسيم على عشرين يساوي أربعين ريالاً!

۴۷- عین المفعول موصوفاً بالجملة:

- (۱) أشكرك يا ربّي بأن حسنت خلقي!
 (۲) قد يأكل التمساح فريسة أكبر من فمه!
 (۳) سجّل هدفك و اذهب إليه بقوة و إرادة!
 (۴) أتعرف طائراً ينقر جذوع الأشجار لصنع العش!

۴۸- عین مضارعاً يمكن أن يعادل «الماضي الاستمراري» في الفارسية:

- (۱) سنجد برنامجاً لك يعينك في دروسك كلها!
 (۲) شاهدت مناظر في طريق السفر يعجبني جمالها!
 (۳) العاقل يستشير الصادق في أموره حتى يقربه من الحقائق!
 (۴) بعضنا يحدث بكل ما يسمع به، و هذا عمل غير صحيح!

۴۹- عین الفعل الناقص لا يدل على الزمن الماضي:

- (۱) كانت لها ثقافة طيبة!
 (۲) كان الدرس مليئاً بالسؤال!
 (۳) كانت الأرض في الربيع مخضرة!
 (۴) كان لهم خلق طيب في الحياة!

۵۰- عین ما ليس فيه المنادى:

- (۱) أم من يستطيع أن يحبني مثلك دون أي مئة!
 (۲) ربّ إني أسألك أن تستر عيوبي كلها عند أعدائي!
 (۳) قوم صديقي هم الذين يساعدون بعضهم بعضاً في الشدائد!
 (۴) ولد حافظ على نظافة الطبيعة و أكد على ذلك عند أصدقائك!

۲۶- گزینه ۲

کلمات مهم: «أَنْفِقُوا»: اتفاق کنید - «مِمَّا»: از آن چه (در اصل: «من + ما») - «رَزَقْنَاكُمْ»: روزی دادیم شما را - «أَنْ يَأْتِي»: که فرارسد - «يَوْمٌ»: روزی - «لَا بَيْعَ»: نه فروشی - «لَا حَلَّةَ»: نه دوستی - «لَا شَفَاعَةَ»: نه شفاعتی

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): روزی می‌دهیم «رَزَقْنَا» یک فعل ماضی است نه مضارع - هیچ فروش «لَا» در عبارت «لَا بَيْعَ» به معنای «نه» می‌باشد نه «هیچ» زیرا از نوع نفی جنس نیست، هم‌چنین «بَيْعَ» نکره است نه معرفه. / گزینه (۳): بخشش کنید (معادل مناسبی برای «أَنْفِقُوا: اتفاق کنید» نیست) - آن روز (أَوَّلًا «آن» اضافی است و معادل ندارد، ثانیاً «يَوْمٌ» نکره است نه معرفه) - هیچ فروش (مانند گزینه ۱) - شفاعت «شَفَاعَةَ» نکره است نه معرفه / گزینه (۴): روزی شما قرار می‌دهیم (أَوَّلًا «رَزَقْنَا» یک فعل ماضی است نه مضارع، ثانیاً «روزی قرار می‌دهیم» معادل مناسبی برای «رَزَقْنَا: روزی دادیم» نیست) - بخشش کنید (مانند گزینه ۳) - آن روز (مانند گزینه ۳) - فروش (أَوَّلًا «لَا» در «لَا بَيْعَ» ترجمه نشده، ثانیاً «بَيْعَ» نکره است نه معرفه) - شفاعت (مانند گزینه ۳) - نیز (اضافی است).

تذکره: هیچ یک از سه «لَا» در این عبارت، از نوع نفی جنس نیست، زیرا اسم بعد از آن‌ها تنوین صَمَه دارد!

۲۷- گزینه ۳

کلمات مهم: «لِي»: دارم - «الآن»: اکنون - «مکتبه» کبیره: کتابخانه بزرگی - «ما كان لي»: نداشتم - «قبل هذا»: قبل از این - «أكثر من مائة كتاب»: بیش از یکصد کتاب

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): داشتم «ما كان لي» یک عبارت منفی است نه مثبت) - فقط (اضافی است) - «أكثر من» در ترجمه لحاظ نشده است. / گزینه (۲): کتابخانه من (أَوَّلًا در «مکتبه» ضمیری وجود ندارد و «من» اضافی است، ثانیاً «مکتبه» نکره است نه معرفه) - بزرگ است «كبيرة» صفت «مکتبه» است نه خبر! - نداشتم «ما كان لي» به معنای «نداشتم» است و اگر «ما كان لها» بود، این ترجمه صحیح بود) - «لي» دارم» در ترجمه لحاظ نشده است. / گزینه (۴): بزرگ است (مانند گزینه ۲) - نداشتم (مانند گزینه ۲)

۲۸- گزینه ۱

کلمات مهم: «ما»: آن چه - «يزيد»: می‌افزاید - «صبرنا»: صبر ما را - «في أمور لا طاقة لنا بها»: در اموری که هیچ توانی برای آن‌ها نداریم. - «هو»: همان

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): «ما: آن چه» در ترجمه لحاظ نشده است - طاقتش در ما نیست (أَوَّلًا «لا» در «لا طاقة» از نوع «نفی جنس» است که در ترجمه لحاظ نشده است و ثانیاً ضمیری در «طاقة» به کار نرفته و «ش» اضافی است) - زیاد نمی‌شود «ما» در این عبارت از نوع موصولی است نه نفی! هم‌چنین «يزيد» به معنای «زیاد می‌کند» است نه «زیاد می‌شود» - بلکه (اضافی است). / گزینه (۳): صبر (ضمیر «نا» در «صبرنا» ترجمه نشده است) - توان آن‌ها در ما نیست (مانند گزینه ۲) - قدرت ما را (اضافی است و هم‌چنین «صبر» مفعول فعل «يزيد» می‌باشد نه کلمه‌ای دیگر) - بلکه (اضافی است). / گزینه (۴): اموری است که ... (أَوَّلًا «في» در «در» ترجمه لحاظ نشده است، ثانیاً «أمور لا طاقة ...» به صورت خبر ترجمه شده است که نادرست است) - طاقت آن «آن» اضافی است و هم‌چنین «طاقة» نکره است نه معرفه).

۲۹- گزینه ۳

کلمات مهم: «أَيَّ»: آیا - «تستشير»: مشورت می‌کنی - «الكَذَّابُ»: دروغگو - «و ما هو إلا سراب»: در حالی که او فقط سرابی است - «يَعْرِفُ»: معرفی می‌کند - «الحقيقة»: حقیقت - «على العكس»: وارونه

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «أَيَّ»: ترجمه نشده است - شور می‌کردم «تستشير» معادل مضارع اخباری است نه ماضی استمراری و هم‌چنین از

صیغه مفرد مذکر مخاطب (للمخاطب) است نه متکلم وحده) - اما (اضافی است) - حقایق «الحقیقة» مفرد است نه جمع) - به من «إلینا» به معنای «به ما» است نه «به من») - معرفی می‌کرد «يَعْرِفُ» معادل مضارع اخباری است نه ماضی استمراری). / گزینه (۲): این دروغگویی (أَوَّلًا «این» اضافی است، ثانیاً «الكَذَّابُ» معرفه است نه نکره) - کسی (اضافی است) - است «ما» از نوع نفی است و به معنای «نیست» می‌باشد) - حقایق (مانند گزینه ۱) / گزینه (۴): چگونه (معادل «أَيَّ»: نیست) - سراب «سراب» نکره است نه معرفه).

۳۰- گزینه ۲

کلمات مهم: «إن الإنسان الذي»: انسانی که - «يجد»: می‌یابد - «طعاماً مناسباً»: غذای مناسبی - «للفكره»: برای فکر خود - «سُئِلَ»: خواهد شد - «قدرته»: نیرویش - «أكثر»: بیشتر

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): مفیدی (معادل دقیقی برای «مناسباً» نیست) - بیابد «يجد» معادل مضارع اخباری است و دلیلی برای ترجمه کردن آن به صورت مضارع التزامی وجود ندارد) - شده است (زمان فعل «سُئِلَ» آینده است نه ماضی نقلی!) / گزینه (۳): اگر (باید دقت کنید که «إن: اگر» بر سر فعل می‌آید نه اسم! بنابراین در این عبارت، «إن: قطعاً» داریم که ترجمه نکردن آن نیز مجاز است) - «الذي»: که» در ترجمه لحاظ نشده است. / گزینه (۴): کسی است که (موصول‌های خاص (الذي، التي، الذين و...) اگر بعد از یک اسم «ال» دار بیابند، به معنای «که» خواهند بود نه «کسی که») - مفیدی (مانند گزینه ۱) - یافته «يجد» مضارع است نه ماضی) - بیشتر شده است (مانند گزینه ۱)

۳۱- گزینه ۴

کلمات مهم: «لا يترك»: ترک نمی‌کند - «من الأولاد»: از فرزندان - «والديهم»: پدر و مادرشان - «يعتقد»: معتقد باشد - «أنهما»: که آن‌ها - «ليسا بحاجة إليه»: به او نیاز ندارند - «هما في صحة»: هر دو در سلامت هستند.

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): فرزندان «من: از» در ترجمه لحاظ نشده است) - «من: کسی که» در ترجمه لحاظ نشده است) - به این (اضافی است). / گزینه (۲): والدین (ضمیر «هم» در «والديهم» ترجمه نشده است) - سلامتی دارند (معادل دقیقی برای «هما في صحة» نیست). / گزینه (۳): در میان (معادل دقیقی برای «من: از» نیست) - پدر و مادر (ضمیر «هم» در «والديهم» ترجمه نشده است). / بر این عقیده باشند (معادل دقیقی برای «يعتقد» به شمار نمی‌آید).

۳۲- گزینه ۳

کلمات مهم: «استرجعت»: پس گرفتم - «حاسوبی»: کامپیوترم - «من الذَّكَانَ الذي»: از مغازه‌ای که - «يختص بتصليح الوسائل الكهربائية»: مختص تعمیر وسایل برقی است.

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): درست می‌کرد «تصليح: تعمیر کردن» اسم است نه فعل!) - پس دادم (معادل صحیحی برای «استرجعت» نیست) - برگشتم (اضافی است). / گزینه (۲): تخصصش «يختص» فعل است نه اسم) - کامپیوتر (ضمیر «ي» در «حاسوبی» در ترجمه لحاظ نشده است و هم‌چنین کلمه در جای صحیحی ترجمه نشده است) - بود (اضافی است) - برگشتم (معادل صحیحی برای «استرجعت» نیست). / گزینه (۴): کارش (اضافی است) - با برق «الكهربائية» صفت «الوسائل» است و نادرست ترجمه شده است) - بود (اضافی است).

۳۳- گزینه ۱

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): خواسته‌هایش «حاجة» مفرد است نه جمع و هم‌چنین ضمیری به آن متصل نیست!) / گزینه (۳): نزدیک است «دنا» به معنای «نزدیک شد» است! / گزینه (۴): نمایان بوده است «يظهر» مضارع است نه ماضی).

۳۴- گزینه ۲

ترجمه صحیح این گزینه: «وقتی دخترم را نصیحت کردم نزدیک بود نزد مهمانان خشمم را آشکار کند!»

۳۵- گزینه ۴

کلمات مهم: درختانی: «أشجاراً» - می کاریم: «نغرس» - دیگران از میوه‌های آن‌ها: «من ثمارها الآخرون» - بخورند: «لکي يأكل»
خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: «الأشجار» («درختانی» نکره است نه معرفه) - «حتی ... یأكل» (حرف ناصبه باید بر سر فعل مضارع بیاید و نباید بین آن‌ها فاصله باشد) / گزینه ۲: «الأشجار» (مانند گزینه ۱) - «آخرون» («دیگران» معرفه است نه نکره) / گزینه ۳: «حتی ... یأكل» (مانند گزینه ۲)

ترجمه متن

«گرگ حیوانی مشابه بعضی از انواع سگ‌ها است، آن، درنده و دارای فکّی با قدرت فوق‌العاده برای شکار طعمه و حمل آن در مسافت‌هایی دور می‌باشد. گرگ‌ها تنها و یا زوج‌زوج در مناطق کوهستانی زندگی می‌کنند، به طوری که دیدنشان در آن‌جا دشوار می‌شود. فقط در خلال زمستان دور هم جمع می‌شوند تا هنگامی که به دنبال غذا می‌گردند در گروه باشند، و هرچه سرما شدت گیرد گرگ‌ها خشن‌تر و شجاع‌تر می‌شوند و به دنبال غذا به آسمت مکان‌های شلوغ، مانند باغ‌ها می‌روند، و این حیوان برای محافظت از سلامت خود تلاشی غیرعادی را به کار می‌برد! گرگ‌ها در طول روز در پناهگاهی بین صخره‌ها می‌خوابند و شب‌هنگام برای شکار بیرون می‌آیند، و امکان دارد مسافتی بین ۴۸ تا ۶۴ کیلومتر را در یک شب طی کنند!»

۳۶- گزینه ۱

ترجمه عبارت صورت سؤال: «گرگ‌ها به طور گروهی زندگی می‌کنند به دلیل»
ترجمه گزینه‌ها: گزینه ۱: سرما در زمستان و سختی تهیه غذا در آن! گزینه ۲: این که در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور شکار می‌کنند! گزینه ۳: جست‌وجوی غذا و شدت خشونت گرگ‌ها در آن! گزینه ۴: بیرون آمدن آن‌ها در شب نه برای شکار، پس (و) در خلال فصل زمستان گرد هم جمع می‌شوند!

۳۷- گزینه ۲

ترجمه عبارت صورت سؤال: «چه چیزی سبب افزایش خشونت و جرأت در گرگ‌ها می‌شود؟»

ترجمه گزینه‌ها:

گزینه ۱: زندگی گروهی که گرگ‌ها آن را برمی‌گزینند!
گزینه ۲: فصل زمستان و سرمای آن و کمبود شکار در آن! / گزینه ۳: این که ممکن است که آن‌ها مسافت‌هایی طولانی را با سرعت زیادی بپیمایند! / گزینه ۴: سکونت آن‌ها در کوه‌ها به گونه‌ای که دیدن آن‌ها برای انسان سخت می‌شود!

۳۸- گزینه ۱

ترجمه گزینه‌ها: گزینه ۱: فک قوی گرگ به او در شکار طعمه کمک می‌کند! (درست است) / گزینه ۲: گرگ‌ها تنهایی و یا زوج‌زوج زندگی می‌کنند؛ زیرا حیوانات درنده‌ای هستند! / گزینه ۳: هنگام طلوع خورشید، گرگ‌ها از بین صخره‌ها به طور گروهی برای شکار خارج می‌شوند! / گزینه ۴: آن شبیه بعضی از انواع سگ‌ها است، اما توان آن برای شکار کم‌تر از دیگر حیوانات است!

۳۹- گزینه ۳

ترجمه گزینه‌ها: گزینه ۱: در زمستان هنگامی که سرما شدت می‌یابد، خشونت و جرأت در آن زیاد می‌شود! / گزینه ۲: در مناطقی که زمینش مرتفع و بلند است زندگی می‌کند و در آن‌جا او را به سختی می‌بینیم! / گزینه ۳: گرگ‌ها برای جست‌وجوی غذا در طول

سال دور هم جمع می‌شوند! (فقط در زمستان جمع می‌شوند نه کل سال!) / گزینه ۴: او حیوانی درنده و قوی در شکار طعمه‌اش می‌باشد!

۴۰- گزینه ۴

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: «خبره» «هناک» (کلمه «صعباً» خبر آن است نه «هناک») / گزینه ۲: للمخاطب (با توجه به متن، «تصبح» به معنای «می‌شود» است و از صیغه «للاغائبه» است) / گزینه ۳: خبره «هناک» (مانند گزینه ۱)

۴۱- گزینه ۲

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: من باب تفعیل «تتجمع» از باب «تفعل» است. / گزینه ۳: للمخاطب (با توجه به متن، «تتجمع» به معنای «جمع می‌شوند» است و از صیغه «للاغائبه» است) - «ماضیه جمع» «این فعل از باب تفعل است و ماضی آن «تجمع» می‌باشد! / گزینه ۴: متعدّد «تتجمع» جمع می‌شود» لازم است نه متعدّی، زیرا مفعول ندارد و معنای آن با فاعل کامل می‌شود.

۴۲- گزینه ۴

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: «من فعل مجرّد ثلاثی» («مُتَوَحَّش» اسم فاعل از باب «تفعل» است نه ثلاثی مجرّد! اسم فاعل از ثلاثی مجرّد بر وزن «فَاعِل» به کار می‌رود) / گزینه ۲: مینی (این کلمه معرب است نه مینی) / گزینه ۳: اسم فاعل من باب تفعیل «مُتَوَحَّش» اسم فاعل از باب «تفعل» است نه «تفعیل»

۴۳- گزینه ۴

خطاهای این گزینه: «يَتَعَايَشُوا» (این فعل از باب «تَفَاعَل» است و مضارع آن بر وزن «يَتَفَاعَلُ» می‌باشد، بنابراین «يَتَعَايَشُوا» صحیح است) - «تَعَايَشًا» (مصدر باب تفاعل بر وزن «تَفَاعَلُ» است و باید به صورت «تَعَايَشًا» نوشته می‌شد).

۴۴- گزینه ۱

کلمات متضاد در سایر گزینه‌ها: گزینه ۲: «ينفَع: سود می‌رساند» و «يضر: ضرر می‌رساند» / گزینه ۳: «يُبَعِد: دور می‌کند» و «يَقْرَب: نزدیک می‌کند» / گزینه ۴: «الأصدقاء: دوستان» و «الأعداء: دشمنان» - «قليل: کم» و «كثير: زیاد»

۴۵- گزینه ۴

هرگاه بخواهیم دو چیز را باهم مقایسه کنیم باید از اسم تفضیل بر وزن «أفعل» استفاده کنیم نه «فعلی»! (حتی اگر طرفین مقایسه مؤنث باشند).

بنابراین در گزینه ۴، «صغری من» نادرست است و باید به صورت «أصغر من» باشد!

۴۶- گزینه ۱

ترجمه گزینه‌ها: گزینه ۱: ۲۰ ریال ضرب در ۵ برابر است با ۱۰۰ ریال! (صحیح است) / گزینه ۲: ۹۰ ریال منهای ۲۰ برابر است با ۶۰ ریال! / گزینه ۳: ۱۱ ریال به علاوه ۹ برابر است با ۷ ریال! / گزینه ۴: ۸۰ ریال تقسیم بر ۲۰ برابر است با ۴۰ ریال!

۴۷- گزینه ۴

توضیح سؤال از ماجمله وصفیه‌ای می‌خواهد که موصوف آن (اسم نکره‌ای که جمله وصفیه آن را توصیف می‌کند) مفعول باشد. با بررسی گزینه‌ها تنها گزینه‌ای که دارای جمله وصفیه می‌باشد، گزینه ۴ است. «ينقر» اسم نکره «طائراً» را توصیف می‌کند که مفعول فعل «تعرف» می‌باشد! ترجمه گزینه ۴: «آیا می‌شناسی پرنده‌ای را که به تنه درختان برای ساختن لانه نوک می‌زند؟»

۴۸- گزینه ۲

می‌دانیم که اگر دو جمله به هم مرتبط باشند و فعل اول، ماضی و فعل دوم مضارع باشد، مضارع را به شکل «ماضی استمراری» ترجمه می‌کنیم. در این گزینه، فعل اول «شاهدت» ماضی و فعل دوم «يعجب» مضارع است و

جمله دارای ساختار مذکور می‌باشد، بنابراین پاسخ صحیح است.

در سایر گزینه‌ها چنین ساختاری و یا «کان + فعل مضارع» موجود نیست!

با توجه به معنای گزینه‌ها به پاسخ صحیح

۴۹- گزینه «۳»

می‌رسیم: گزینه (۱): فرهنگی نیکو داشت! (ماضی) / گزینه (۲): درس، پر

از سؤال بود! (ماضی) / گزینه (۳): زمین در بهار، سرسبز است! (مضارع) /

گزینه (۴): در زندگی، اخلاقی نیکو داشتند! (ماضی)

۵۰- گزینه «۳» ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): ای مادر، چه کسی

می‌تواند مثل تو من را بدون متت دوست بدارد! («أم» منادا است.) / گزینه (۲):

پروردگارا، همانا من از تو می‌خواهم که همه عیب‌هایم را نزد دشمنانم

بیوشانی! («رب» منادا است.) / گزینه (۳): قوم دوستم همان کسانی هستند

که در سختی‌ها به یکدیگر کمک می‌کنند! (منادا ندارد.) / گزینه (۴): ای

فرزند، از نظافت طبیعت محافظت کن و نزد دوستانت بر آن تأکید کن!

(«ولد» منادا است.)